



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تأثیر فرهنگ عاشورا
بر انقلاب اسلامی

محمد مهدی بهداروند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی

نویسنده:

محمد مهدی بهداروند

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی
۷	انداموارگی دین و سیاست
۸	عدم سازش با طاغوت و ظالم
۹	تأثیر پذیری از فرهنگ عاشورا
۹	پیوستگی تربیت یافتگان فرهنگ عاشورا با تربیت یافتگان انقلاب اسلامی ایران
۱۰	حرکت ضد ارتجاعی امام حسین
۱۱	ثبات و پایداری انقلاب اسلامی
۱۱	مقاومت در برابر تهاجمات دشمن
۱۲	اصلاح طلبی (امر به معروف و نهی از منکر)
۱۳	عدالت اجتماعی
۱۳	ارزش نهادن به رأی و جایگاه مردم
۱۳	نقش مردم در قیام امام خمینی
۱۴	خلاصه
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی

مشخصات کتاب

عنوان: تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی

پدیدآورندگان: بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۴۲- (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: انقلاب اسلامی

قیام عاشورا

مقدمه

به خوبی می‌دانیم که عاشورا الهام بخش انقلاب شور آفرینی است که در روزگار ما بزرگ‌ترین حادثه‌ای است که با راهبری عاشورایی بزرگ عصر، امام خمینی (ع) خواهان استقرار زندگی برپایه توحید و عدل شده است فرهنگ عاشورا درحقیقت فرهنگی همه جانبه دارد که انقلاب اسلامی با الگوگرفتن از آن مسیر پرفراز و نشیب خود را طی نموده به عبارت دیگر: نهضت عاشورا یک نهضت عظیم فرهنگی است که ابعاد گوناگون حیات انسان را در بر دارد، حرکتی با وقوع خود، تاریخ ساز و عزت آفرین و عاملی برای احیای اسلام ناب گردید تا آن جا که برای خود این لقب را گرفت «الاسلام محمدی الوجود والحدوث و حسینی البقاء و الاستمرار». انقلاب اسلامی در حقیقت احیاگر اسلامی بود که پس از قرن‌ها ضعف و عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان به ویژه با فروپاشی و تجزیه امپراتوری عثمانی به اوج خود رسیده و دوران رکود و رخوت مسلمانان را به درازا کشیده و در حقیقت وارد مرحله تازه‌ای از ظهور مجدد شده بود. البته گفتنی است که تحلیل تطبیقی حادثه عاشورا بر انقلاب اسلامی بدون توجه به محوریت آن یعنی حضرت امام خمینی (ره) به تصویر کشاند.

تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی

اساساً شروع نهضت را همان عصر روز عاشورا باید تلقی کرد (سیزده خرداد) و درحقیقت نطفه انقلاب را همان فریاد عصر عاشورای امام منعقد کرد. عاشورا در جوامع دارای قدرتی بوده که این قدرت را امام شناخت و با بهره برداری درست از آن انقلاب به پیروزی رسید. بر این اساس عاشورا تنها مسئله‌ای برای آرامش روح و روان و معنویت نیست بلکه می‌تواند عامل رخ دادی عظیم در گستره تاریخ گردد. متأسفانه عده‌ای عاشورا را یک مسأله پسیکو لوژیک (روانی و نفسانی می‌بینند که به آنها آرامش می‌دهد و جنبه عاطفی دارد. اما این تمام جوهره عاشورا نیست تجلی صفات جمیله در بر خورد با جور و ستم از بهترین جنبه‌های محوری نهضت عاشورا است یکی از شاخصه‌های عمده نو پردازان فکر دینی و اسلام شناسان نو اندیش در چند دهه اخیر این است که رخ داد عاشورا به عنوان یک رخ داد اجتماعی برای آنها مطرح شده و در بینش اجتماعی آنها مؤثر افتاده است هرچند فرهنگ‌ها

مجموعه باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی هستند که در حیات یک جامعه ماندگار می‌شوند و استمرار تاریخی می‌یابند. بدین روی عاشورا تنها یک رویداد تاریخی نیست بلکه یک فرهنگ است فرهنگ عاشورا مجموعه عناصر عاطفی ارزشی اعتقادی و رفتاری‌ای است که بر محور عاشورا شکل گرفته و به نحو زنده و حیات بخشی حضور پایدار خود را در تاریخ تشیع حفظ کرده و نقش‌ها و کارکردهای متنوعی در جامعه شیعی خصوصاً انقلاب اسلامی داشته است در یک بررسی و تحلیل جامع اگر بخواهیم نقش عاشورا را در تکوین پیدایش و تکامل انقلاب اسلامی طرح نماییم باید به زیر اشاره کنیم

اندامواری دین و سیاست

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در حقیقت پیوند دو نهاد دین و سیاست در صحنه بوده است این حقیقت حاصل تلاش سیدالشهداء در مبارزه با بدعت‌های اموی بود که آنها اصل وحدت یافته دین و سیاست را از محور حقانی وجود مبارک امام خارج ساخته و در اختیار انسان پلیدی هم چون معاویه نهاده و او را ملقب به امیرمؤمنان نموده بودند. حضرت ضمن قیام و افشای جوهره کفر اموی در صدد درهم شکستن تندیس پا گرفته رذالت در پوشش فضیلت بود. لذا باشهامت و قدرت تمام خروش برآورد: «الا و ان الدعی بین الدعی قد رکزین اثنتین بین السله و الذله هیهات منّا الذله .بررسی دوران حضرت سیدالشهداء به خوبی بیان گر این حقیقت است که مهم‌ترین علل انحطاط و سقوط جامعه برداشت نادرست از دین و فهم غلط معارف اسلامی است عواملی که به بروز کژ اندیشی‌ها و گرایش‌های قبله‌ای منتهی گردید و موجباتی را فراهم آورد تا کسانی به مصادر خلافت دست یابند که دین را وسیله توجیه حکومت و اهداف فردی و قومی خویش قرار دهند. امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از این حرکت تاریخی به تلفیق دو نهاد پرداخت و عامل سعادت جامعه را در یکسان‌انگاری این دو مقوله می‌دید: «این یک نقش شیطانی بوده است که از زمان بنی امیه و بنی عباس طرح ریزی شده است و بعد از آن هم هر حکومتی که آمده است تأیید این امر را کرده است و اخیراً هم که راه شرق و غرب به دولت‌های اسلامی باز شده این امر در اوج خودش قرار گرفته که اسلام یک مسئله شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمان در سیاست دخالت کند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند.» رواج اندیشه جدایی دین از سیاست به دلیل این که هر گونه مسئولیت اعتقادی و اجتماعی را از افراد سلب می‌کرد با روحیه تسامح و راحت‌طلبی نیز سازگاری داشت و بسیاری از افراد برای حفظ منافع شخصی خود از هر گونه اندیشه‌ای که به تغییر وضع موجود منتهی گردد احتراز می‌کردند. لذا نقشه‌های شیطانی حکومت از یک سو و تسامح و راحت‌طلبی از سوی دیگر موجب شد تا اعتقادات دینی نقش مؤثری در اعمال اجتماعی سیاسی مردم نداشته باشند و از قیام برای خدا در جامعه اسلامی غفلت گردد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به روزگار سیاه رساند و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده .بنابراین در اندیشه احیایی امام خمینی (ره)، دین و سیاست آن چنان در هم تلفیق و ترکیب شده‌اند که یک واحد شخصی منسجم به وجود می‌آورد. در چنین دیدگاهی دین منهای سیاست و ولایت جسدی بی جان و بی فروغ است «این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند. این را بی دین‌ها می‌گویند، مگر زمان پیغمبر اکرم (ص) سیاست از دیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عده‌ای روحانی بودند وعده دیگر سیاست مدار و زمام‌دار؟ مگر زمان خلفای حق یا ناحق زمان خلافت حضرت امیر (ع) سیاست از دیانت جدا بود؟ دو دستگاه بود؟ این حرف‌ها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده‌اند، تا دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند و در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های ما را غارت کنند. منظور آنها همین است»

عدم سازش با طاغوت و ظالم

یکی از نمودهای ارزشی عاشورا در انقلاب اسلامی امام بزرگوار، مسئله ناسازگاری با طاغوت و استکبار بود که در تمام حرکت‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن کاملاً نمود داشت و به صورت یک جریان محوری در نهضت اسلامی می‌درخشید. نکته قابل توجهی که از این جهت در نهضت امام خمینی (ره) وجود دارد، شیوه موضع‌گیری ایشان است اولین اعلامیه آن حضرت در جریان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۲ تا آخرین اعلامیه ایشان در پاریس و پیش از فرار شاه از ایران گویای همین واقعیت است شاید ما رهبری انقلابی هم چون امام (ره) در عصر حاضر در دنیا نیابیم که طی پانزده سال مبارزه موضعی یگانه و یک‌نواخت داشته باشد و شرایط و مقتضیات گوناگون نتواند کوچک‌ترین تغییری در موضع ضد طاغوتی او ایجاد کند. حتی زمانی که شاه خود را در آستانه سقوط می‌دید و با تمام تکبرش از موضع مدیریت کشور تنازل کرد و حاضر بود به صورت یک جریان بایکوت شده در سیاست پادشاه افسانه‌ای باشد و حکومت نکند و حکومت را به دست مجلس آزاد و دولت منتخب آن مجلس بسپارد، بسیاری از گروه‌های به اصطلاح مبارز سیاسی آن روز و برخی از افرادی که در سنگر مرجعیت خود را هم رزم امام (ره) می‌پنداشتند، این تنازل را قبول کردند و سعی داشتند ایشان را هم به قبول آن راضی کنند. از جمله یکی از روحانیون وابسته به جبهه ملی در این خصوص نامه‌ای به امام (ره) در نجف نوشت و از امام (ره) درخواست کرد، تا ایشان برای تشکیل یک مجلس آزاد شورای ملی و برگزاری انتخابات در کشور موافقت کند. امام (ره) در موضع ناسازگاری با طاغوت قهرمانانه ایستاد و اعلام کرد به کم‌تر از سقوط سلطنت و محاکمه محمد رضای جنایت‌کار رضایت نمی‌دهم امام در پاسخ نامه آن روحانی پیامی فرستاد و تأکید کرد که این نامه حتی شایسته پاسخ دادن هم نیست و در اطلاعیه‌ای که در مرداد ماه ۱۳۵۷ صادر فرمود موضع صریح ضد طاغوتی خود را اعلام فرمود. در جریان پس از پیروزی انقلاب این طاغوت ستیزی امام (ره) به استکبار ستیزی مبدل شد و ارزش عاشورا در سیمای استکبار ستیزی امام (ره) نمود یافت امام (ره) همواره در بیانات خود روی این مطلب تکیه می‌کرد که حرکت انقلابی این مردم در پیروی از امام حسین (ع) حرکت با خون است و دقیقاً در تبیین شعار عاشورای حسین (ع): «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی در اطلاعیه‌ای که در هلال محرم ۱۳۵۷ از پاریس صادر فرمود، ماه محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر نامید و در پیام به ملت ایران روز یازدهم محرم همان سال (۱۱/۹/۵۷) فرمود: «اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی در مقابل هواداران اسلام و مخالفان سرسخت رژیم طاغوتی ابوسفیان صف بندی نموده و می‌خواهند شعار اسلامی و حسینی را که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن به جای سلطه شیطان و حکومت قانون عدل در مقابل حکومت جنگل است با مسلسل‌ها و توپ و تانک‌ها که از خون دل ملت محروم تهیه شده است جواب دهند. غافل از آن که ملتی که با بیداری و هوشیاری به پا خاسته و نهضت اصلی اش را وظیفه شرعی الهی تشخیص داده به این سلاح‌های زنگ زده با تمسخر می‌نگرد». عیدالله بن زیاد - چاکر و خانه زاد اموی - پس از هلاکت یزید، چون خواست از شهر بصره فرار کند، لباس زنانه پوشید و مردی را پشت سرش سوار کرد که به شورشیان می‌گفت «کنار شوید! این زن از خاندان من است به دیار زنان ابن زیاد آمده بود، می‌خواهم او را ببرم. او با این شیوه ننگین و حقارت آمیز گریخت و خود را در پرتو این ذلت و پستی از مرگ نجات داد. اما حسین بن علی (ع) در گیر و دار معرکه عاشورا، در میان انبوه دشمنان فراوان و در موقعیتی که دشمنان از چهار سو، او را در محاصره داشت هنگامی که با پیشنهاد بیعت با یزید مواجه می‌گردد تا از آن معرکه خونبار و هراس‌انگیز جان سالم به در ببرد، با کمال شهامت و جوان مردی فضیلت و انسانیت اعلام فرمود: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل ولا افر فرار العبید.»؛ «به خدا قسم هرگز دستم را همانند دست ذلیلان و زبوان به شما نمی‌دهم و هم چون بردگان از پیش شما نمی‌گریزم» این سخن بزرگ در آن اوضاع ویژه از سعه صدر و عظمت درون حکایت‌هایی دارد که ژرفا و گسترده‌گی آن را جز خدای بزرگ کسی نمی‌داند. روز عاشورا، آن گاه که عده‌ای از یاران امام حسین (ع) در خاک و خون غلتیدند، او به جای این که

روحیه خود را از دست دهد و دست تضرع به سوی آنان دراز کند، با ثبات و استقامت کامل گفت «به خدا قسم به هیچ یک از خواست‌های اینان تن در نمی‌دهم تا خدای خود را ملاقات کنم در حالی که به خون خود آغشته‌ام»

تأثیر پذیری از فرهنگ عاشورا

تأثیر پذیری از فرهنگ عاشورا و بررسی گونه‌های مختلف آن در شعر قبل از انقلاب و ادبیات دوران مقاومت و ستم‌شاهی خود از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است این که کدام دسته از شاعران به این مهم اقدام کرده بیان چه جنبه‌هایی را در کلام خود برگزیده‌اند، تعبیرات لفظی و تشبیهات ادبی و استعاره‌های آنان چگونه بوده قدرت کلام و میزان نفوذ نفس آنان تا چه پایه رفته است چه ابعادی از تأثیر پذیری را وجهه سخن خویش قرار داده‌اند و...؟ زمانی که این بررسی‌ها صورت گرفت آیه‌های فراوانی برای انجام داوری‌های فرهنگی و ادبی همه جانبه حاصل می‌شود که هم با عنایت به افراد و گویندگان و هم با توجه به جنبه‌های کلامی فرهنگی ادبی و... قابل مقایسه و تطبیق و است که فرصت و مجال دیگری می‌طلبد. بیان تأثیر پذیری فرهنگ عاشورا را در شعر پس از انقلاب می‌توان در چندین محور و موضع دانست که می‌توان به چند نمونه از آنها اشاره کرد: الف - موضوع مدح ستایش و تمجید که بی‌تردید مقوله‌ای بسیار مفصل و در خور اعتناست ب - ترغیب تشویق و تهیج رزمندگان جبهه در نبرد و دفاع مقدس

پیوستگی تربیت یافتگان فرهنگ عاشورا با تربیت یافتگان انقلاب اسلامی ایران

در تاریخ عاشورا می‌خوانیم وقتی حضرت سید الشهداء (ع) از مدینه به سوی کربلا می‌آمدند، کلمه استرجاع و آیه انا لله و انا الیه راجعون را تلاوت فرمودند. فرزندش علی اکبر (ع) عرض کرد: پدر! چرا این جمله را بر زبان جاری فرمودید؟ حضرت (ع) فرمودند: لحظه‌ای به خواب رفتم هاتنی ندا داد که این کاروان می‌رود و مرگ به سراغ آنان می‌آید. عرض کرد: پدر! مگر ما بر حق نیستیم فرمود: چرا بر حقیقت عرض کرد: پس ما از کشته شدن چه باک داریم رشادت‌های حضرت عباس بن ابی طالب (ع)، حضرت قاسم بن الحسن (ع)، عون بن ابی طالب (ع)، احمد بن حسن بن علی (ع)، عبدالله بن حباب کلیمی بکیر بن یزید ریاحی نافع بن هلال بجلی عبدالله بن جناده بن لعب بن حرث الانصاری خلف بن مسلم بن عوسجه حتی زنانی چون مادر «عبدالله بن عمیر» را می‌بینیم که با ایمان به خدا و عشق به حسین (ع) برای حفظ مکتب چگونه مبارزه می‌کنند. نوشته‌اند: پس از کشته شدن «جناده انصاری فرزند یازده ساله‌اش «عمر» که به همراه پدر و مادرش به سرزمین کربلا آمده بود، به حضور امام رسید و اجازه نبرد با دشمن خواست حسین به علی (ع) درباره وی چنین فرمود: «این نوجوان که پدرش در حمله اول کشته شده است شاید بدون اطلاع مادرش تصمیم به نبرد گرفته است و مادرش به کشته شدن وی راضی نباشد. اما این نوجوان ایثارگر چون گفتار امام (ع) را شنید عرضه داشت نه به خدا، مادرم دستور داده است جانم را فدای تو و خونم را نثار راهت کنم امام چون این پاسخ را شنید اجازه داد. عمر حرکت نمود و در مقابل صفوف دشمن با شوری خاص این شعار حماسی را می‌خواند: امیری حسین و نعم الامیر سرور فواد البشیر النذیر علی و فاطمه و والداه فهل تعلمون له من نظیر امیر من حسین است و چه نیکو امیری سرور قلب پیامبر بشیر و نذیر، علی و فاطمه پدر و مادر اوست آیا برای او همانندی می‌دانید؟ نوشته‌اند: مادر این نوجوان شجاع و ایثارگر پس از آن که خونش را پاک نمود، و به سوی خیمه بازگشت و چوبی به دست گرفت و در حالی که این دو بیت را می‌خواند به سوی دشمن حمله کرد: انی عجوز فی النساء ضعیفه خاویه بالیه نحیفه اضربکم بضره عنیفه دون بنی فاطمه الشریفه من در میان زن‌ها زنی ضعیفم زنی پیرو و فرتوت و لاغر، بر شما ضربه محکمی وارد خواهم ساخت در دفاع و حمایت از فرزندان فاطمه عزیز. پس از آن دو نفر را مضروب ساخت و به دستور امام (ع) به سوی خیمه‌ها بازگشت لذا حسین بن علی (ع) درباره این اصحاب و یاران و اهل بیت خویش می‌فرماید: «من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت و خاندانی با وفاتر و صدیق‌تر از اهل بیت خود سراغ ندارم

خداوند به همه شما جزای خیر دهد.» با مروری به تاریخ انقلاب اسلامی از خرداد سال ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ - به ویژه هشت سال دفاع مقدس - فرهنگ عاشورا آشکار می‌گردد و تاریخ تکرار می‌شود. این پیوستگی‌ها در وصیت‌نامه‌های رزمندگان در پیشانی‌بندها و نوشته‌ها بر پشت و سینه و بازو، در شعارها و سرودهای جبهه در نام و رمز عملیات در حال و هوای شب عملیات عمل کرد خانواده شهدا، تابلوهای نوشته مزار نوشته‌ها، مجالس سوگواری شهدا و سرودهای دوران هشت سال دفاع مقدس به روشنی و با صمیمیتی آشکار به چشم می‌خورد. لذا امام راحل رهبر را آن نوجوان سیزده ساله می‌داند و می‌فرماید: «این جانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می‌کنم یا وصیت‌نامه انسان ساز شهیدی را می‌بینم احساس حقارت و زبونی می‌کنم هرچه انقلاب اسلامی دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثار گران است کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیلی معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضا شده است و کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست»

حرکت ضد ارتجاعی امام حسین

امام (ع) در نامه‌ای به معاویه پس از شهادت مظلومانه برادرش امام مجتبی (ع) پرده از روی چهره کریه ارتجاع برداشت و فرمود: «مگر تو قاتل حجر بن عدی و رفقای عباد ثابت قدمش نیستی قاتل مردانی که از پیدایش رویه‌های بدعت‌آمیز ضد اسلامی ناراحت و بی‌آرام بودند، دستور به تبعیت از رویه معروف اسلامی یعنی (سنت می‌دادند و از رویه زشت و ناروای نوپیدا (منکر) برحذر می‌داشتند. آنان را پس از دادن امان‌های مؤکد و به سوگند محکم شده به طور ستم‌گرانه و تجاوزکارانه کشتی و با این عمل نشان دادی که در برابر خدا گستاخی و پیمان‌ش را خوار می‌داری مگر تو نیستی که زیاد را در این دوره که نظامات اسلامی حکم فرماست به فرزندی زنا کاری که با مادرش آومیخته بود شناختی و گفتی که او پسر ابوسفیان است در صورتی که پیامبر خدا (ص) فرموده است که فرزند از آن بستر، و زناکار را سنگ کیفر است آن گاه او را بر مسلمانان مسلط کردی و فرمان روایی بخشیدی تا ایشان را بکشد و دست و پایشان را از چپ و راست ببرد و بر شاخه نخل به دار آویزد. پناه بر خدا! و بدان که خدا را دیوان محاسبه‌ای است که در آن هیچ از خرد و کلان اعمال فرو گذاشته نمی‌شود. بدان که خدا هرگز از یاد نخواهد برد که تو مردم را به محض بدگمانی می‌کشی و به اتهام محض دست گیر می‌سازی و نوجوانی را ولایت عهدی بخشیده‌ای که شراب می‌خورد و سگ‌بازی می‌کند...» در این نامه امام (ع) به نکات ارتجاعی ارزش در حکومت معاویه اشاره می‌کنند که عمده‌ترین آن جریان انتساب زیاد به فرزند زنا کار است که این کار جزء سنن و ارزش‌های جاهلیت قبل از اسلام بود. حضرت امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی ایران را نشأت گرفته از قیام حضرت سیدالشهداء (ع) می‌داند و مقایسه‌ای دارند بین یزید و یزیدیان و شاه و قوم ستمگرش در این باره می‌فرمایند: «آن روز یزیدیان با دست جنایت کاران گور خود را کردند و تا ابد، هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایت کار خود را به ثبت رساندند، و در پانزده خرداد چهل و دو پهلویان و هواداران و سردمداران جنایت کارشان بادست ستم‌شاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران - بحمدالله تعالی - با قدرت و پیروزی بر گور آتش بار آنان لعنت می‌فرستند.» ایشان در پیام خویش در تاریخ ۶۱/۳/۱۵ به مناسبت سال روز قیام پانزده خرداد و نیز در جمع گروهی از علما و ائمه جماعات روحانیون و وعاظ قم و تهران می‌فرمایند: «ملت عظیم الشان در سال روز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با پانزده خرداد چهل و دو بود که با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده رابه یاد آورد، اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عاشورا از سال شصت و یک هجری تا خرداد شصت و از آن تا قیام عالمی بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است» یا در اوج اختناق و دیکتاتوری مصمم و استوار، نقشه‌های دشمن را بر آب کرده و فریاد برآورد: «...آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کم‌تر از خطر بنی امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا با اسرائیل و عمال آنها همراهی می‌کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده و در دربار دست آنها باز

است در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه‌ها برای آنها بازنموده و شغل‌های حساس به آنها داده‌اند.»... امروز به من اطلاع دادند که بعضی اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید: یکی شاه را، یکی هم اسرائیل را، یکی هم نگویید دین در خطر است خوب اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم دیگر چه بگوییم ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تا هست به هر که مراجعه می‌کنی می‌گوید شاه گفته شاه گفته مدرسه فیضیه را خراب کنید، شاه گفته اینها را بکشید...» شما آقایان به تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهایی‌ها مراجعه کنید. در آن‌جا می‌نویسد: «تساوی حقوق زن و مرد؛ رأی عبد الوهاب آقایان هم از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه نفهمیده می‌رود بالای آن‌جا، می‌گوید تساوی حقوق زن و مرد! آقا! این را به تو تزریق کردند. مگر تو بهایی هستی که من بگویم کافر است بیرونت کنند؟ نظامی کردن زن رأی عبد الوهاب است آقا، تقویمش موجود است نگویید نیست شاه ندیده این را؟...» «والله من شنیده‌ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از مردم بیندازد، تا بیرونش کنند و لهذا مطالب را معلوم نیست به او برسانند. تأثرات ما زیاد است روابط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید؟ این دو تا تناسبشان چیست مگر شاه اسرائیلی است به نظر سازمان امنیت شاه یهودی است» چنان که ملاحظه می‌کنید، امام در این سخنرانی شخص شاه را مورد عتاب و خطاب خویش قرار داده است و شاه که تحمل شنیدن سخن حق نداشت به خشم آمد و مأمورانش به دستور او، شبانه امام را دست‌گیر کردند، که در پی آن حادثه دوازدهم محرم (۱۵ خرداد) پیش آمد.

ثبات و پایداری انقلاب اسلامی

حضرت امام (ره) علل محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی ایران را مدیون و مرهون عاشورا و درسی که مردم از امام حسین (ع) آموختند می‌دانند و لذا در سخنان خویش می‌فرمایند: «ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سید الشهداء (ع) نبود، امروز ما نمی‌توانستیم پیروز شویم انقلاب اسلامی ایران پرتویی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است» «تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد.» «این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش آورد، ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خداوند فدا کرد و این اقتدا به بزرگ مرد تاریخ حضرت سیدالشهداء (ع) است

مقاومت در برابر تهاجمات دشمن

یکی از اموری که امام حسین (ع) بالهام از کلام الهی روی آن تکیه می‌کردند صبر و استقامت و بردباری است از جمله در پاسخ مردی از کوفه به نام «ابوهرم که از حضرت سؤال می‌کنند: چه انگیزه‌ای تو را وا داشت که از حرم جدت بیرون بیایی امام (ع) می‌فرمایند: «ای اباهر بنی امیه با فحاشی و ناسزاگویی احترام مرا درهم شکستند. من راه صبر و شکیبایی را در پیش گرفتم و ثروتم را از دستم ربودند، باز هم شکیبایی کردم ولی چون خواستند خونم را بریزند از شهر خارج شدم. بنابه نقل «ابن قولویه و «مسعودی»، امام حسین (ع) آن گاه که نماز صبح را به جا آورد، رو به سوی نمازگزاران کرد و پس از حمد و سپاس خداوند به آنان فرمود: «خداوند به کشته شدن شما و کشته شدن من در این روز اذن داده است و بر شماست که صبر و شکیبایی در پیش گیرید و بادشمن بجنگید.» مرحوم صدوق در «معانی الاخبار» می‌گوید: امام (ع) فرمودند: «ای بزرگ زداگان صبر و شکیبایی به خرج دهید که مرگ چیزی جز یک پل نیست که شما را از سختی و رنج عبور می‌دهد و به بهشت پهناور و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.» امام حسین (ع) در روز عاشورا و در لحظه‌های حساس هنگامی که چند تن از نوجوانان هاشمی و آل ابوطالب مانند محمد و عون (فرزندان عبدالله جعفر) و محمد بن مسلم دسته جمعی هم چون عقاب به سوی دشمن حمله‌ور بودند فرمود: «عمو زادگان من و خاندان من در

مقابل مرگ صبر و استقامت به خرج دهید که به خدا سوگند پس از امروز روز ذلت و خواری ای نخواهید دید.» خواهرش زینب (س) را دعوت به صبر و بردباری می‌نماید. آخرین کلام امام (ع) در لحظه شهادت این است «درمقابل قضا و قدر تو شکیبایم ای پروردگاری که به جز تو خدایی نیست ای فریادرس دادخواهان که مرا جز تو پروردگار و معبودی نیست برحکم و تقدیر تو صابر و شکیبایم» حضرت امام خمینی (ره) در تمام مراحل انقلاب به پیروی از حسین بن علی (ع) راه صبر و استقامت را پیشه خود ساخته و مردم را هم متوجه این امر مهم نموده و در بیانات خویش در فروردین چهل و دو درمورد وظایف عمومی مسلمین برای صیانت از اسلام می‌فرماید: «شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند، آنچه امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست پیشوایان بزرگوار ما حوادثی چون عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشتند و در راه دین خدا چنان مصایبی را تحمل کرده‌اند، عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) را دارند در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت آمیز دستگاه حاکمه خود را بیازند.» «ماباید روی آن فداکاری‌ها حساب کنیم که سیدالشهداء (ع) چه کرد و چه بساط ظلمی را برهم زد و ماهم چه کرده‌ایم مگر خون ما رنگین تر از خون سیدالشهدا است ما چرا بترسیم از این که خون بدهیم یا این که جان بدهیم دستور است این دستور عمل امام حسین (ع) دستور است برای همه که کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا وَ کُلُّ أَرْضٍ کَرْبَلَا. دستور داد به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را با استقامت ادامه بدهید.» «صبر کلید ابواب سعادت و سرمنشأ نجات از مهالک است صبر، بلیات را بر انسان آسان می‌کند و مشکلات را سهل می‌نماید و عزم و اراده را قوت می‌دهد. مقصد هر چه بزرگ‌تر باشد، رنج در راه آن هر چه زیاد باشد باید انسان تحمل کند. اگر چنان چه استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم.

اصلاح طلبی (امر به معروف و نهی از منکر)

امام حسین (ع) به عنوان مظهر اسلام محمدی با قیام خود عزم آن دارد تا بر تفسیرها و برداشت‌های رایج از دین خط بطلان کشد و با احیای دین حقیقی و جوه پویا، سازنده و جهت دهنده دین را برای مردم نمایان سازد لذا می‌فرماید: «انما خرجت لطلب الاءصلاح فی امه جدی اريد ان امر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب . پر واضح است که عامل اصلی انسجام امت اسلامی دین است و اصلاح امت ممکن نیست مگر با اصلاح دین و اصلاح دین نیز به نظامی از کنترل و پیشرفت وابسته است که عنوان امر به معروف و نهی از منکر به خود گرفته است و بعد از فهم صحیح از دین این اصل انسان را در هر لحظه از زندگی موظف به باز آفرینی و احیای ارزش‌های دینی می‌کند. و این بازگشت مجدد به معیارها و ضوابط دینی هم متوجه خود فرد است و هم به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند منوط می‌شود. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر برای انسان مسئولیت اجتماعی می‌آفریند و او را دچار نوعی بی‌قراری می‌سازد تا نسبت به آنچه در امور مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌گذرد بی‌تفاوت و بی‌تحرك نباشد. امر به معروف و نهی از منکر هنگامی که مبتنی بر فهم صحیح از دین باشد و از سیره نبوی و علوی یعنی معیارهای خالص اسلام سرچشمه بگیرد جامعه را از حالت سکون خارج می‌سازد و منجر به بالندگی و سازندگی آن می‌گردد. امام حسین (ع) که خود عصاره اسلام محمدی است قیام می‌کند تا نشان دهد که آنچه بنی امیه حکومت خود را به وسیله آن توجیه می‌کند دین نیست بلکه نوعی فریب و نیرنگ است که به اسم دین عرضه می‌شود و دین فقط در عبادات فردی و جمعه و جماعات بدون تحرك خلاصه نمی‌شود و اسلام حقیقی با وجود چنین حکومتی سازگار نیست امام خمینی (ره) اصلاح اندیشه‌های دینی را سرلوحه نهضت اسلامی قرار می‌دهد و با طرح مسئله جدایی دین از سیاست تغییرها و برداشت‌های رایج از دین را طرد می‌کند و اسلام را یک دین اجتماعی و همه جانبه معرفی می‌نماید که باید در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی و اقتصادی متجلی گردد. ایشان نگرش مردم نسبت به دین را مبهم می‌داند و می‌فرماید: «ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم تا این ابهام را از اذهان نزدایم هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم» با رفع این ابهام از دین بزرگ‌ترین

انقلاب دینی جهان در جامعه اسلامی ایران به وجود می‌آید، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه احیا می‌گردد، جامعه از حالت ایستایی به تحرک در می‌آید، نظام سیاسی و اجتماعی جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

عدالت اجتماعی

یکی دیگر از اهداف انقلاب عاشورا برقراری عدالت اجتماعی بود. امام حسین (ع) در خطبه‌ای که امام خمینی (ره) از مضامین این خطبه به عنوان مؤید بحث ولایت فقیه استفاده کرده چنین می‌فرماید: «... یا من المظلومون من عبادک» این انگیزه امام حسین (ع) در امام خمینی (ره) تأثیر فراوانی داشته است که نمونه آن را می‌توان در این سخن ملاحظه نمود: «... سید الشهداء (ع) از همان روز اول که قیام کردند برای امر، انگیزه شان اقامه عدل بود، فرمودند: می‌بینید که به معروف عمل نمی‌شود و به منکر عمل می‌شود ما که تابع حضرت سیدالشهداء هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت قیامش انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود.» اصولاً امام خمینی (ره) اجرای عدالت اجتماعی را هم ردیف با اصلاح اجتماعی می‌داند و آن را با استناد به قرآن مجید (حدید: ۲۵) از اهداف تمام انبیا می‌داند و این مسئله را در مورد سایر انسان‌های بزرگ نیز صادق می‌داند: «... سید الشهداء روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. (لیقوم الناس بالقسط باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند.)» تلاش برای ترویج عدالت اجتماعی در زندگانی حضرت امام (ره) نیز به وضوح مشاهده می‌شود. مبارزه با حکومت ستم‌گر پهلوی مبارزه با سرمایه داران زالو صفت مبارزه با خوانین ظالم مصادره اموال نامشروع ایجاد بنیاد مستضعفان سفارش‌های مکرر به مسئولان کشور برای رسیدگی به امور محرومان جامعه و... از جمله مواردی است که حکایت از تلاش‌های فراوان امام (ره) برای اجرای عدالت اجتماعی دارد. این تلاش‌ها تا اندازه قابل توجهی ثمر بخشید و امید داریم با استمرار این تلاش‌ها، به طور روز افزونی به عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام نزدیک شویم.

ارزش نهادن به رأی و جایگاه مردم

نهضت‌های انقلابی و اصلاحی معمولاً ثبات نظام اجتماعی را برهم می‌زنند و افکار و آرای مردم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. امام حسین (ع) و امام خمینی هر دو به نقش مردم و مشارکت آنها در قیام اسلامی اهمیت داده‌اند ولی با توجه به تفاوت‌های اساسی که از نظر زمانی و شرایط اجتماعی بین دو قیام وجود دارد مشارکت و استقبال از دو نهضت با یک دیگر قابل مقایسه و تطبیق نیستند.

نقش مردم در قیام امام خمینی

در سال شصت هجری که امام حسین (ع) نهضت را شروع کردند شرایط خاص بر جامعه حاکم بود و مردم کوفه وقتی از قیام امام اطلاع یافتند از ایشان به وسیله نامه‌های فراوان دعوت کردند. امام حسین (ع) هم به این استقبال مردم پاسخ دادند تا نشان دهند که برای مشارکت مردم ارزش و اهمیت قائل هستند. لذا برای اتمام حجت به طرف آن شهر حرکت کرد تا به ندای مردم که ایشان را به یاری طلبیدند، پاسخ گفته باشد. امام خمینی (ره) نیز همانند جامعه زمان امام حسین (ع) قیام خود را آغاز نمودند و مردم در قیام امام خمینی (ره) نقش ویژه‌ای دارند و شرط اساسی اصلاح جامعه را آگاهی مردم می‌دانند و در یک دوره طولانی برای آگاه نمودن و مشارکت دادن مردم در قیام فعالیت می‌کنند تا آن جا که می‌فرمایند: «اگر ما بتوانیم مردم را بیدار و آگاه سازیم .. حتماً او را باشکست مواجه خواهیم ساخت بزرگ‌ترین کاری که از ماساخته است بیدار کردن و متوجه کردن مردم است آن وقت خواهید دید

که دارای چه نیروی عظیمی خواهیم بود که زوال ناپذیر است در عین حال راه دشوار و خطرناکی در پیش داریم « ایشان بارها تأکید فرموده‌اند که برای اصلاح جامعه باید یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید.

خلاصه

آنچه درخاتمه تذکر آن ضروری است این است که عوامل ایجاد انقلاب اسلامی گذشته از یک سلسله شرایط مساعد - که زمینه ساز پیروزی انقلاب و به اصطلاح شرایط لازم وقوع انقلاب بودند - وجود همزمان سه عامل مکتب اسلام رهبری امام و حضور مردم بود. در ترتیب بندی اهمیت سه عامل یاد شده با توجه به اینکه اسلام طی سالیان متمادی دین نود و هشت درصد مردم ایران بوده و مردم هم که عضو جدا نشدنی هر جامعه‌ای هستند، رهبری قاطع و سازش ناپذیر امام خمینی (ره) در مقطع حساس سال‌های دهه چهل به این سو دارای شأن ویژه‌ای بود که توانست با استفاده از شرایط موجود جامعه اسلام را که به تدریج به عامل رکود و سکون جامعه تبدیل شده بود، به جریان اصلی خود بازگرداند. و آن را تبدیل به عامل حرکت و پویایی مردم کند و مردم مسلمانان را با اسلام - همان گونه که هست و نه آن گونه که نمایانده بودند - آشنا ساخت و بسیج توده‌ها را به شیوه‌های سازماندهی شده تا نیل به هدف به انجام رساند و در تمام طول جریان انقلاب نهضت عاشورا محوری‌ترین و مؤثرترین عامل محرک و بسیج تلقی می‌گردید. تردیدی نیست که برای تداوم و استمرار هر پدیده‌ای - از جمله انقلاب اسلامی - باید علل محدثه به عنوان علل مبقیه - نه فقط در شکل بلکه در فعل - نیز حفظ شود و در هر سه بعد، نهضت عاشورا معیار و میزان عمل است به عبارتی دیگر: به میزانی که مفاهیم و مضامین نهضت امام حسین (ع) از جامعه دور شود، به همان میزان جامعه از استقرار اهداف متعالی امام حسین که همانا اهداف حق طلبانه امام خمینی (ره) بود دور می‌شود، به میزان دور شدن از مضامین قیام عاشورا، شاهد کم‌رنگ‌تر شدن مضامین انقلابی و سکون و دل‌مردگی بیش‌تر و رشد نگران‌کننده عوامل انحرافی خواهیم بود. طبیعی است که اگر عاشورا و روح حرکت عاشورا در ایران زنده بماند، انقلاب و آرمان‌های والای آن بدون آسیب در گذر زمان روز به روز آب دیده‌تر و مستحکم‌تر به حرکت خود ادامه خواهد داد ولی این امر، فداکاری بسیج و عزم ملی می‌طلبد. گفته‌اند: «الناس علی دین ملوکهم»، استمرار روحیه ایثار و فداکاری مردم منوط به تداوم روحیه عدالت‌جویانه و حق‌طلبانه مردم دولت مردان انقلاب است استمرار انقلاب هم چون دوران شکل‌گیری نیازمند روحیه شهادت‌طلبی فداکاری و ایثار جمعی است درحالی که در شهادت‌طلبی مینا راحتی دیگران است در رفاه‌طلبی اساس راحتی و رضایت خود است برای تداوم انقلاب باید دید در برابر شهادت‌طلبی و رفاه‌طلبی میزان پراکندگی مردم ما در کدام بعد است

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳۰۶۲۱۰۶، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۹۰ IR
 ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

